

## کودکان استثنایی دوگانه چه کسانی هستند؟ شناسایی، ویژگی‌ها و مشکلات

الهام توکلی طرفی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی / دانشگاه علامه طباطبایی

فاطمه ترابی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی کودکان استثنایی / دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده:

**زمینه:** استثنایی‌های دوگانه را گروهی تشکیل می‌دهند که در کنار بعد تیزهوشی، مشکلات رفتاری، اجتماعی، هیجانی یا تحصیلی دارند و از میان گروه‌های استثنایی بیشترین سوء تعبیرها و قضاوت‌های نادرست در موردشان وجود دارد و بیشتر از تمامی گروه‌های استثنایی مورد غفلت قرار گرفته‌اند. والدین، معلمان و متخصصان همگی در شناسایی همزمان نشانه‌های هوش بالا و در عین حال ناتوانی‌های این گروه، عاجزند. به دلیل این مشکلات تشخیصی، با مسائل عمده‌ای پیرامون این گروه رو به رو هستیم. از جمله این که توانمندی‌های آنها را به عنوان زیرگروهی از تیزهوشان که سرمایه‌های انسانی جوامع هستند، از دست می‌دهیم.

**نتیجه‌گیری:** از آنجا که شناسایی و مداخله زودهنگام برای این گروه می‌تواند از بسیاری از مشکلات بعدی از جمله پدیده کم پیشرفتی و مشکلات روانی، اجتماعی آنها در آینده جلوگیری کند، در این مقاله تلاش شده است تا نحوه شناسایی، ویژگی‌ها و مشکلات کودکان استثنایی دوگانه جهت آشنایی بیشتر متخصصان با این گروه مطرح شوند.

**واژه‌های کلیدی:** کودکان استثنایی دوگانه، شناسایی، ویژگی، مشکلات

### مقدمه

رفتاری، ذهنی یا جسمی آنها خلل ایجاد کند. در اینجا ما شاهد وجود یک کودک استثنایی دوگانه<sup>۲</sup> خواهیم بود (دیستین<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ مک دونالد<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱؛ گالات<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲؛ ریزا و مکینتاش<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). این گروه را می‌توان اقلیتی در گروه اقلیت تلقی کرد که شرایط بسیار دشواری برای سازگاری دارند (دیستین، ۲۰۰۶). برخی معتقدند نوع<sup>۷</sup> در نتیجه ناتوانی خاصی روی می‌دهد زیرا افراد ناتوان به دنبال استعدادهایشان می‌گردند و نتیجه این امر، شکل‌گیری استثنایی بودن دوگانه است (سیلورمن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵).

مفهوم تیزهوش ناتوان در ظاهر یک مفهوم ضد و نقیض است زیرا در آن دو ویژگی که در دو سر طیف هستند در یک فرد جمع شده است (شیوینینا<sup>۹</sup>، ۲۰۰۹) و این سوال را در ذهن تداعی می‌کند که چگونه ممکن

علاقه به بررسی گروهی که توان بالقوه بالا و در عین حال ناتوانی‌هایی دارند، پدیده جدیدی نیست. در تاریخ مثال‌های فراوانی از چنین افرادی به چشم می‌خورد مثل توماس ادیسون، هلن کلر و انیشتین. تیزهوشی مفهومی سیال است که در مورد تعریف آن توافقی وجود ندارد و ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر معنای متفاوتی داشته باشد، با این وجود انجمن ملی کودکان تیزهوش آمریکا این تعریف را ارایه می‌دهد: داشتن سطوح بالایی از استعداد یا کفایت در یک یا چند زمینه همانند توانایی‌های ذهنی یا حسی - حرکتی و اثبات استعداد یا کفایت را تیزهوشی تعریف کرده است (انجمن ملی کودکان تیزهوش<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). با ارائه این تعریف این سوال مطرح می‌شود که اگر فرد تیزهوش به دلایلی قادر به نشان دادن این توانمندی‌ها و کفایت‌ها نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ گاهی یک شکاف رشدی در کودکان تیزهوش اتفاق می‌افتد که می‌تواند در رشد تحصیلی، اجتماعی، هیجانی،

2. Twice/ Dual exceptional child

3. Distin

4. McDonald

5. Galat

6. Rizza & Mcintosh

7. Genius

8. Silverman

9. Shavinina

1. National Association for Gifted Children

خطر اخراج از مدرسه نیز قرار می‌گیرند (بلچین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). تمایز کودکان استثنایی دوگانه و کودکان با اختلال یادگیری بسیار دشوار و نیازمند ارزیابی دقیق نیمرخ فرد و انطباق توانمندی‌ها و ناتوانی‌های کودک است. در نیمرخ آنها عملکرد بالاتر از متوسط در کنار حوزه‌هایی از ناتوانی دیده می‌شود اما آنچه نقطه تمایز این دو گروه است، سطح خلاقیت و تمایل به رفتارهای تخریبی در گروه استثنایی دوگانه است (گالات، ۲۰۱۲). انجمن روان‌پزشکی آمریکا اختلاف معنادار (۲۰ نمره‌ای) خرده آزمون‌های کلامی و عملی و کسلر را تعیین کننده می‌داند (پورتر، ۲۰۰۵؛ سیلورمن، ۲۰۰۵). مک دونالد هفت الگو را در آزمون و کسلر چهار ارایه می‌دهد تا بتوان گروه‌های مختلف استثنایی‌های دوگانه را شناسایی کرد (مک دونالد، ۲۰۱۱). کافمن<sup>۳</sup> معتقد است که نه نمره اختلاف در بهترین و بدترین خرده آزمون و کسلر، احتمال استثنایی بودن دوگانه را مطرح می‌کند. بنابراین در آزمون و کسلر نیمرخ خرده آزمون‌ها اهمیت دارد زیرا توانایی‌ها و ناتوانی‌های کودک را به ما نشان می‌دهند (سیلورمن، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۵).

✓ تیزهوشان درخودمانده: چگونه فردی که در مدیریت زندگی روزانه اش مشکل دارد می‌تواند شاهکارهای ذهنی داشته باشد؟ این همان معمایی است که اصطلاح "کودن‌های دانشمند"<sup>۴</sup> را پدید آورده است. این پدیده در ۹/۸ درصد کودکان درخود مانده وجود دارد. این توانایی‌های خارق‌العاده اغلب در زمینه‌هایی مثل محاسبات تقویمی، توانایی‌های هنری، توانایی موسیقایی، توانایی‌های ریاضی و مکانیکی و توان حفظ اطلاعات خاص است و به راحتی قابل تشخیص است؛ در غالب موارد این توانایی‌های خاص بدون آموزش رشد می‌کنند و پسران بیشتر در این دسته قرار می‌گیرند (شیونینا، ۲۰۰۹).

است کودکی هم تیزهوش باشد و هم ناتوان؟ در پاسخ می‌توان چنین گفت که اگر تیزهوشی را تنها در توان یادگیری خلاصه کنیم، امکان این که فردی به طور همزمان در امر یادگیری توانمند و ناتوان باشد، وجود ندارد. اما در صورتی که تیزهوشی را این‌گونه در نظر بگیریم که فرد از نظر رشدی، استدلال انتزاعی و ... برتری دارد، این امکان وجود دارد که فرد تیزهوش در زمینه‌هایی مثل خواندن یا نوشتن با مشکل مواجه باشد (سیلورمن، ۲۰۰۳).

در خصوص شیوع شرایط استثنایی دوگانه به دلیل دشواری‌های شناسایی اطلاعات دقیقی در دست نیست. شاید دلیل آن را بتوان به در نظر نگرفتن این شرایط به عنوان یک طبقه تشخیصی و همچنین نداشتن ملاک برای تشخیص مرتبط دانست (شیونینا، ۲۰۰۹). اما برخی مطالعات نشان از آن دارند که اختلالات یادگیری می‌تواند در ۵ تا ۱۰٪ کودکان تیزهوش اتفاق بیفتد (پورتر، ۲۰۰۵) و اختلال خواندن رایج‌ترین آنهاست. به طور کلی حدود یک ششم کودکان تیزهوش ملاک‌های تشخیص استثنایی بودن دوگانه را دارا هستند (سیلورمن، ۲۰۰۵). فلین معتقد است که ۲ تا ۵ درصد افراد استثنایی، تیزهوش هستند اما این آمار باید با احتیاط مورد توجه قرار گیرد زیرا امکان شناسایی نشدن بسیاری از آنها وجود دارد (مک دونالد، ۲۰۱۱).

### زیر گروه‌های کودکان استثنایی دوگانه

✓ تیزهوشان با ناتوانی‌های یادگیری: تیزهوشان با ناتوانی‌های یادگیری گروهی هستند که با وجود هوش بالا در یکی از زمینه‌های خواندن، نوشتن یا ریاضیات مشکل دارند. این گروه به راحتی قابل شناسایی نیستند و اغلب به طور تصادفی در جریان سنجشی که به منظور دیگری صورت می‌گیرد، شناسایی می‌شوند و گاهی در

2. Balchin  
3. Kaffman  
4. Savant

1. Porter

هستند. رشد و بلوغ اجتماعی شناختی و هیجانی آنها در یک زمان اتفاق نمی‌افتد و اغلب از نظر اجتماعی و هیجانی تاخیر دارند و به همین دلیل از نظر اجتماعی طرد می‌شوند زیرا توانایی‌های ذهنی بالای این گروه در کنار مهارت‌های ناپخته هیجانی اجتماعی شان تحمل نمی‌شود در حالی که کودکان تیزهوش یا کودکان با اختلال نارسایی توجه، بیش‌فعالی این مشکل را ندارند (شیوینینا، ۲۰۰۹؛ کافمن<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۰).

✓ تیزهوشان با مشکلات جسمی و حسی: در مورد تمام کودکانی که ناتوانی‌های جسمی و حسی دارند یک مساله مشترک وجود دارد و آن این است که جامعه طبق یک مدل پزشکی تنها ناتوانی آنها را مد نظر قرار می‌دهد و از تفکر درباره توانمندی‌های موجود آنها امتناع می‌کند (گودهیو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹). این گروه جمعیت معدودتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند و اغلب زمانی بعد تیزهوشی آنها شناخته نمی‌شود که مشکلات بدنی شان در سطح متوسط تا شدید باشد (بلچین، ۲۰۰۹). از جمله مشکلات این گروه این است که معلمان کودکان تیزهوش به ندرت تجربه کار با این گروه را داشته‌اند، بیشتر ابزارهای شناسایی تیزهوشان برای این گروه مناسب نیستند و به دلیل بیشتر بودن نیازها و منابع حمایتی مورد نیاز این گروه، معمولاً سرمایه‌گذاری روی آنها انجام نمی‌شود (گودهیو، ۲۰۰۹). انگیزه، توان کلامی بالا، تمرکز بالا و حافظه قوی از نشانه‌های تیزهوشی در گروه نابینا است (شیوینینا، ۲۰۰۹). تیزهوشان ناشنوا به ندرت شناسایی می‌شوند اما ویژگی‌هایی شبیه تیزهوشان شنوا مثل کنجکاوی، استدلال قوی و ... دارند گرچه ممکن است از نظر تحصیلی چهار تا پنج سال تاخیر داشته باشند. برای آزمودن این گروه مواد غیر کلامی به علاوه شرح معلم و والدین لازم است (شیوینینا، ۲۰۰۹).

✓ تیزهوشان با اختلال آسپرگر: گروه تیزهوشان با آسپرگر جمعیت بسیار جالبی هستند. گاهی آنها را پروفیسورهای کوچکی می‌دانند که هیچ چیزی از اجتماعی شدن نمی‌دانند (لیتل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). رفتارهای عجیب این گروه اغلب به تیزهوشی یا اختلالات یادگیری نسبت داده می‌شود. ویژگی خاص این گروه این است که همه اطلاعات را درباره تمامی موضوعات به یاد می‌سپارند بدون اینکه درباره کاربرد آن اطلاعاتی داشته باشند. آنها بسیار تحت‌اللفظی صحبت می‌کنند چنان‌که تصور می‌شود مطلبی را از روی کتابی در حال خواندن هستند. آنها در روابط اجتماعی شان مشکلات فراوانی دارند. همچنین توان تفکر انتزاعی ندارند. آنها خودم‌محورند و توان درک نظر دیگران را ندارند و به همین دلیل در تعامل با دیگران شکست می‌خورند اما در بزرگسالی در زمینه شغلی بسیار موفق خواهند بود با این وجود گوشه‌گیری همواره ویژگی آنها خواهد بود (شیوینینا، ۲۰۰۹؛ ویدیورینی<sup>۲</sup>).

✓ تیزهوشان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی: بسیاری از کودکان تیزهوش، تشخیص نارسایی توجه/بیش‌فعالی می‌گیرند و این می‌تواند به دلیل سطوح بالای انرژی در هر دو گروه باشد و تمایز آنها آسان نیست و بررسی کامل عوامل محیطی و زمینه‌ای لازم است. تمایز این دو دارای اهمیت است زیرا برنامه‌های آموزشی متفاوتی مورد نیاز است. کودکان با نارسایی توجه/بیش‌فعالی رفتارهای مشکل ساز خود را در تمامی موقعیت‌ها نشان می‌دهند در حالی که در کودکان تیزهوش، این رفتارها ویژه موقعیت است. کودکان با نارسایی توجه/بیش‌فعالی تمرکز پایینی دارند در حالی که کودکان تیزهوش با این اختلال، مدت‌ها روی یک مساله متمرکز می‌مانند. ویژگی مشکل توجه کودکان تیزهوش با نارسایی توجه، بیش‌فعالی کمتر از کودکانی است که تنها دچار نارسایی توجه/بیش‌فعالی

3. Kaufmann  
4. Goodhew

1. Little  
2. Widyorini

## سنجش کودکان استثنایی دوگانه و مشکلات موجود

شناسایی کودکان استثنایی دوگانه بسیار حائز اهمیت است، زیرا عدم تشخیص دقیق این گروه در طول مراحل حساس رشد هویت یعنی در طی دوره نوجوانی، بر رشد هویت آنها تاثیر منفی می‌گذارد و نتیجه آن عزت نفس و سطح انگیزش پایین و عملکرد نامطلوب تحصیلی است (گالات، ۲۰۱۲) اما این مساله مهم در آموزش معلمان جایی ندارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه معلم و میزان آموزش او در شناسایی این گروه نقش حیاتی دارد. از آنجا که ارجاع کودکان به مدارس تیزهوشان معمولاً توسط معلمان صورت می‌گیرد، این نکته دارای اهمیت است زیرا معلمان با تجربه اغلب قادرند علت مشکلات رفتاری و هیجانی را دریابند و آن‌ها را مدیریت نمایند؛ درحالی که معلمان تازه کار بیشتر از زاویه ذهنیت خود به قضایا می‌نگرند. همچنین معلمان با تجربه بیشتر احتمال دارد تا کودکان با مشکلات رفتاری هیجانی را نیز تیزهوش بدانند (ریزا و همکاران، ۲۰۰۳).

طبیعی است که ناتوانی‌ها نیازمند مداخلات زود هنگام است و مداخله زود هنگام در صورتی امکان پذیر است که تشخیص زود هنگام صورت گیرد. تشخیص زود هنگام مشکلات کودکان تیزهوش، برای بهزیستی آنها ضروری است؛ زیرا تشخیص و درمان زود هنگام می‌تواند از تاخیرهای شناختی آنها پیشگیری کند و این امر به ویژه در مورد تاخیرهای حرکتی که دوره رشدی حساس آنها پایین تر از ۸ سالگی است، اهمیت دارد. در بسیاری موارد رویکرد ما در قبال این گروه "انتظار برای دیدن یک نشانه"<sup>۱</sup> است و این موجب از دست دادن زمان حساس می‌شود (سیلورمن، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۵).

متخصصان برای تشخیص زود هنگام شرایط استثنایی بودن دوگانه با دشواری‌های زیادی مواجهند که از جمله

آن‌ها می‌توان به مواردی همانند دشواری در تمیز ناهمزمانی و ناهمترازی رشدی طبیعی کودکان تیزهوش از شرایط استثنایی بودن دوگانه (گالات، ۲۰۱۲؛ سیلورمن، ۲۰۰۵)، نقابی که نقاط قوت و ضعف بر همدیگر می‌زنند (گالات، ۲۰۱۲؛ پمبرتون، ۲۰۰۴؛ کینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵)، مشکل در شناخت توانایی حل مسأله به عنوان راهکاری جبرانی برای مشکلات و ضعف‌های موجود (سیلورمن، ۲۰۰۵)، مقایسه این گروه با گروه عادی (سیلورمن، ۲۰۰۳)، عقاید قالبی معلمان و آموزش ناکافی آنها در خصوص این گروه (تریل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸) اشاره نمود.

علاوه بر موارد ذکر شده بعضی از عوامل موقعیتی نیز مشکل تشخیص را بیشتر می‌کنند به عنوان مثال یک چهارم تا نیمی از زمان دانش‌آموزان تیزهوش در کلاس درس، صرف انتظار برای یادگیری دیگر دانش‌آموزان می‌شود (وب<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). این امر را به یکجا بودن کودک عادی با کودک کم توان ذهنی در مدارس عادی نسبت داد (باربر و مولر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱) که ممکن است به رفتارهایی در کودک نظیر نقص توجه، مجادله‌گری، بیش‌فعالی و تکانشگری بینجامد که احتمال تشخیص‌های نادرست نظیر ADHD را برای وی افزایش دهد (باوم<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸؛ نیهارت<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳).

حقیقت آن است که بعضی از کودکان تیزهوش، استثنایی دوگانه هستند. در بسیاری از موارد ابتدا اختلال شناسایی می‌شود و بعد تیزهوشی و یا برعکس، با شناسایی تیزهوشی احتمال اختلالات دیگر نادیده گرفته می‌شود. نتیجه این امر مشکل زاست زیرا کودک در دریایی از برچسب‌ها و برنامه‌های درمانی غرق می‌شود و این در

2. King

3. Trail

4. Webb

5. Barber & Mueller

6. Baum

7. Neihart

1. Waiting to see a sign

صورت پیشرفته، عملکرد بسیار خوب در تکالیفی که نیازمند سطوح بالایی از انتزاع هستند، تعهد کاری بالا در خصوص تکالیف معنادار، کنجکاوی، داشتن عقل سلیم، توان پیدا کردن پاسخ‌های جدید برای مسائل دشوار، علاقه به یادگیری، توانایی رهبری، تخیل غیرعادی، شوخ‌طبعی، نیاز به عملکرد در سطح عالی، کمال‌گرایی، مداومت در انجام تکالیف درسی یا ذهنی و آگاهی از نقاط قوت خود و توان برجسته سازی آنها، اشاره نمود (شیوینینا، ۲۰۰۹؛ نیلسن و هیگینز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ فورنیا و فریم، ۲۰۰۱؛ گالت، ۲۰۰۸؛ بلچین، ۲۰۰۹؛ پمبرتون، ۲۰۰۴؛ نیهارت و همکاران، ۲۰۰۲) اما زمینه‌هایی نیز وجود دارند که گروه استثنایی دوگانه را متمایز می‌سازند که مهم‌ترین آنها اختلاف عملکرد فرد درون و بیرون مدرسه است (کینگ، ۲۰۰۵). اختلاف زیاد بین توانایی‌های کلامی و غیر کلامی، فقدان سازماندهی، تمرکز ضعیف، دشواری در مهارت‌های پایه، پیشرفت تحصیلی نه چندان مطلوب با وجود داشتن حافظه خوب، فقدان انگیزش و توجه، خودپنداره ضعیف، حساسیت به انتقاد، اضطراب، احساس ناکامی و خستگی، عزت‌نفس پایین و رفتارهای غیرسازشی، اجتناب از تکلیف، تکانشگری، درماندگی آموخته شده، مشکلات حرکات درشت و ظریف و نقایص پردازشی از جمله دیگر مواردی هستند که برای تمایز دو گروه دارای اهمیت هستند (پمبرتون، ۲۰۰۴؛ بلچین، ۲۰۰۹؛ کینگ، ۲۰۰۵؛ گالت، ۲۰۰۸؛ گالات، ۲۰۱۲). مشکل در پذیرش خود، احساس شرم و خجالت و ناراحتی در اجتماع، عدم رضایت از پیشرفت، عدم کارایی مطلوب در گروه، نگرش منفی به مدرسه، تعیین اهداف غیر واقعی، مشکلات بین فردی با همسالان، معلمان و خانواده را نیز باید به این فهرست افزود (شیوینینا، ۲۰۰۹؛ بلچین، ۲۰۰۹). یکی از ویژگی‌های جالب عملکرد گروه استثنایی دوگانه این است که به سادگی از پس تکالیف دشوار بر می‌آیند اما

حالی است که وجود تشخیص استثنایی دوگانه راه حل این مشکل است (فونسکا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). موضوع عدم شناسایی این گروه عاملی خواهد شد که در آینده احتمال تشخیص مشکلات رفتاری هیجانی این افراد بیشتر شود (تریل، ۲۰۰۸). ویژگی‌های اجتماعی و هیجانی گروه استثنایی دوگانه، گاه موجب تشخیص‌های نادرستی می‌شوند که در نتیجه توجه یک بعدی به این کودکان اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال بی‌طاقتی، حساسیت و فعالیت‌های زیاد حرکتی گروه تیزهوش غالباً با نارسایی توجه، بیش‌فعالی اشتباه گرفته می‌شود (گالت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸).

### ویژگی‌ها و چالش‌های اجتماعی هیجانی کودکان استثنایی دوگانه

ادبیات پژوهش در مورد مسائل هیجانی و اجتماعی گروه استثنایی دوگانه بسیار اندک و ضد و نقیض است اما از آنجا که گروه تیزهوش و گروه‌های استثنایی معمولاً در این حوزه‌ها با مشکلاتی مواجهند، انتظار می‌رود که مشکلات اجتماعی هیجانی در گروه استثنایی دوگانه دوچندان باشد (نیهارت و همکاران، ۲۰۰۲؛ باربر و مولر، ۲۰۱۱). تراژدی کودکان استثنایی دوگانه هم فردی و هم اجتماعی است. از نظر فردی، آنها در می‌یابند که هیچ چیز به درستی پیش نمی‌رود و از نظر اجتماعی نیز در صورت عدم تشخیص نمی‌توانند توان بالقوه خود را در جهت منافع جامعه به کار گیرند و همین امر آنها را در معرض مشکلات بیشتری قرار می‌دهد (هندز، ۲۰۰۹).

بسیاری از ویژگی‌های شناختی و هیجانی گروه استثنایی دوگانه، بسیار شبیه ویژگی‌هایی است که برای گروه تیزهوش بدون ناتوانی ذکر می‌شود از جمله آنها می‌توان به حافظه و اطلاعات عمومی بالا، تفکر انتقادی، توان حل مساله پیشرفته و خلاقانه، نیاز به دانستن، استفاده از زبان به

3. Nielsen &amp; Higgins

1. Fonseca  
2. Gullett

فرد ارتباط تنگاتنگی دارد. نظریه امید<sup>۳</sup>، مشکل اصلی گروه استثنایی دو گانه را فقدان امید می‌داند و اصل اساسی این نظریه بر اساس انگیزش بنا شده است. طبق این نظریه وقتی امید از بین می‌رود، گروه استثنایی دو گانه کم پیشرفت باقی می‌ماند (هندز، ۲۰۰۹). اگر چه انگیزش بسیار اهمیت دارد اما شرط کافی نیست. کودکان باید بر اساس بازخوردهای دریافتی از باورهای بزرگسالان، به توانایی‌های خود ایمان داشته باشند و همین امر بر روی تلاش‌ها و موفقیت بیشتر اثرگذار است. وجود یک منبع حمایتی و احساس تعلق برای کودکان استثنایی دو گانه بسیار حائز اهمیت است و از عواقب منفی بعدی جلوگیری می‌نماید. حمایت کافی به ویژه از جانب مادر می‌تواند بر روی خودپنداره و حس تعلق این کودکان به شکل مثبتی اثرگذار باشد (سیگل و مک‌کوچ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵).

در حالی که فرض بر این است که وجود هوش بالا باید یک عامل حفاظتی برای این گروه باشد اما پژوهش‌ها این فرضیه را تایید نمی‌کنند. پژوهش‌ها مدعی این امر هستند که هوش بالا در این افراد یک عامل خطر است زیرا مثلاً کودکان با اختلال نارسایی توجه، بیش‌فعالی معمولاً نسبت به همسالان خود دو تا سه سال تاخیر دارند. تیزهوشان با نارسایی توجه، بیش‌فعالی نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ این امر زمانی بیشتر حائز اهمیت است که این افراد، بلوغ همسالان خود را می‌بینند، لذا بیشتر در معرض اختلال قرار می‌گیرند. این در حالی است که کودکان با هوشبهر عادی دارای اختلال نارسایی توجه، بیش‌فعالی چالش‌زادی با مساله ناپختگی خود ندارند؛ این چالشی است که هوش را یک عامل خطر<sup>۵</sup> قلمداد می‌کند (نیهارت، ۲۰۰۳؛ مک دونالد، ۲۰۱۱؛ استورمونت و همکاران، ۲۰۰۱).

گروه استثنایی دو گانه چالش‌های متعددی در زندگی

در تکالیف ساده به مشکل برمی‌خورند (سیلورمن، ۲۰۰۵). به طور کلی ویژگی‌های این گروه بیشتر منفی هستند تا مثبت و همین امر آنها را در معرض گسترده‌ی وسیعی از مشکلات از افسردگی‌های خفیف تا خودکشی قرار می‌دهد (نیهارت و همکاران، ۲۰۰۲). ویژگی‌های ذکر شده فرصت‌های آموزشی این گروه را کاهش می‌دهد و موجب کاهش اعتماد به نفس و انگیزش آنها می‌شود (گالات، ۲۰۱۲).

از دیگر ویژگی‌هایی که می‌تواند برای این گروه بسیار خطرآفرین باشد، کمال‌گرایی<sup>۱</sup> است. کمال‌گرایی یک ویژگی منفی و ناسالم روان‌شناختی است که غالباً در کودکان و نوجوانان تیزهوش وجود دارد (فورنیا و فریم، ۲۰۰۱). کمال‌گرایی در افراد استثنایی دو گانه موجب متحمل شدن فشار زیاد برای پنهان کردن ناتوانی‌ها و تلاش افراطی برای نمایش ابعاد مثبت خود می‌گردد. زمانی که تکلیف از سطح توانایی این افراد فراتر می‌رود به‌طور کامل عقب نشینی می‌کنند بنابراین عدم تداوم در انجام کارها می‌تواند یکی از ویژگی‌های این گروه باشد (شیوینینا، ۲۰۰۹). کافمن معتقد است کمال‌گرایی در قلب افراد استثنایی دو گانه وجود دارد و این امر آنها را به این نتیجه می‌رساند که وقتی هیچ چیز درست پیش نمی‌رود چرا باید تلاش کرد؟ (هندز، ۲۰۰۹).

کودکان استثنایی دو گانه با وجود توانمندی بالا قادر به موفقیت در زمینه‌های تحصیلی نیستند. این گروه به برنامه آموزشی خاص نیاز دارند که معمولاً در مدارس عادی وجود ندارد بنابراین کم پیشرفت باقی می‌ماند (هندز، ۲۰۰۹). زندگی این گروه در سطوح اجتماعی اقتصادی پائین می‌تواند عامل پیشرفت اندک و مشکلات اجتماعی هیجانی در آنها مثل کمبود انگیزش شود (استورمونت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۱) که این مسأله با پیشرفت

3. Hope Theory  
4. Siegle & McCoach  
5. Risk factor

1. Perfectionism  
2. Stormont

نه سالگی است. گذرگاه‌های جدید عصبی با تمرین بیشتر، شکل بهتری می‌گیرند (سیلورمن، ۲۰۰۵). برنامه‌های مشاوره زود هنگام می‌تواند پیش از دوره‌های حساس، تامین کننده سلامت هیجانی این گروه باشد اما مساله موجود، عدم تعلیم خود متخصصان در این حوزه است (فورنیا و فریم، ۲۰۰۱).

اصلی‌ترین وظیفه متخصصان سلامت روان کمک به گروه استثنایی دوگانه برای کنار آمدن همزمان با هوش بالا و ناتوانی است (گالات، ۲۰۱۲). شیوه‌های مشاوره‌ای مختلفی از شیوه‌های فردی گرفته تا گروهی (ریس و رنزولی، ۲۰۰۴)، کمک متخصصان به افراد استثنایی دوگانه برای درک توانایی‌ها، علایق و محدودیت‌ها و هم چنین برای ابراز هیجان‌ها (استورمونت و همکاران، ۲۰۰۱)، خانواده‌درمانی (نیهارت و همکاران، ۲۰۰۲؛ هندز، ۲۰۰۹) و گروه درمانی (فورنیا و فریم، ۲۰۰۱) می‌تواند به این افراد کمک شایان توجهی کند. آموزش به این گروه باید متناسب و با توجه به نیازهای فردی صورت گیرد تا رشد افراد که هدف آموزشی جان‌دیویی<sup>۲</sup> است اتفاق بیفتد (هندز، ۲۰۰۹). از دهه ۱۹۷۰ به بعد، متخصصان تلاش زیادی در جهت استفاده مناسب از تکنولوژی جدید و تعیین نیازهای اجتماعی و هیجانی گروه استثنایی دوگانه انجام دادند (شیونینا، ۲۰۰۹).

برای آموزش گروه استثنایی دوگانه توصیه می‌شود که بر نقاط قوت و علایق افراد تاکید گردد و در وهله بعد بر نقاط ضعف آنها غلبه شود که این امر می‌تواند مشکلات رفتاری هیجانی این گروه را نیز کاهش دهد (نیهارت، ۲۰۰۳) تاکید روی نقاط قوت این گروه باعث افزایش خود پنداره آنها می‌شود و همین امر بسیاری از مشکلات را برطرف می‌کند (کینگ، ۲۰۰۵) لذا برنامه درسی این گروه باید علاوه بر پوشش ناتوانی‌هایشان، چالش‌انگیز نیز باشد (ریزا و مکینتاش، ۲۰۰۱).

روزمره و مدرسه دارند. آنها اغلب این حس را دارند که قسمتی از دو جهان متفاوت‌اند: قسمتی که متعلق به دنیای افراد ناتوان و قسمتی که متعلق به دنیای تیزهوشان است، بنابراین دریافت تشخیصی که هر دو شرایط را دربردارد تا حدی گیج کننده است.

این گروه اعتقاد راسخی به توانایی‌های خود دارند و برای رسیدن به اهداف خود انگیزه زیادی دارند اما به دلیل مشکلاتشان در رسیدن به آنها شکست می‌خورند، گویی مغز و بدنشان برای رسیدن به آنچه می‌خواهند همکاری نمی‌کنند. به دلیل وجود اعتقاد قوی به توانایی‌های خود، معمولاً توقع زیادی از خود و سطح پیشرفتشان دارند که همیشه واقع گرایانه نیست. بنابراین به شکست می‌انجامد و خود این شکست‌ها موجب ترس از شکست-های آتی در آنها می‌شود. این ترس موجب تشدید حس ناکامی در آنها می‌گردد و این احساس سبب می‌شود این گروه معمولاً از انجام تکالیفی که در آنها خطر شکست را احساس می‌کنند، اجتناب نمایند، بنابراین کناره‌گیری<sup>۱</sup> یکی از مکانیزم‌های این گروه برای مقابله با احساس ناکامی است (کینگ، ۲۰۰۵).

### استثنایی‌های دوگانه: رهنمودهایی برای پیشرفت

عنوان تشخیصی استثنایی دوگانه موجب دریافت خدمات مناسب‌تر و حمایت بیشتر از این گروه و نیز افزایش عزت‌نفس ایشان می‌شود (پمبرتون، ۲۰۰۴). اگرچه گروه‌های استثنایی دوگانه نیازهای متفاوتی دارند ولی شاید نیاز بنیادی مشترک همه آنها توجه به توانمندی‌هایشان باشد (گودهیو، ۲۰۰۹).

کلید موفقیت کار با این گروه تشخیص و مداخله زود هنگام در زمانی است که مغز قدرت ترمیم‌پذیری بالایی دارد و مداخله موجب پدید آمدن گذرگاه‌های جدید برای یک توانایی می‌شود. این زمان معمولاً پیش از

## نتیجه گیری

و نیز حمایت هیجانی و اجتماعی از آنها در محیط مدرسه و بیرون باشد. با چنین حمایت‌هایی است که زمینه برای رسیدن کودکان به حداکثر توان بالقوه‌شان فراهم می‌شود و از مشکلات هیجانی و اجتماعی آنها از جمله ضعف عزت‌نفس و خودکارآمدی در آنها پیشگیری می‌شود.

به‌طور کلی بهترین برنامه برای کودکان استثنایی دوگانه برنامه‌ای است که در آن فرد خدمات همزمان برای حوزه‌های توانمندی و ناتوانی‌هایش دریافت کند. به‌طور کلی خدمات حمایتی کودکان استثنایی دوگانه باید آنها را به عنوان یک کل در نظر بگیرند؛ بنابراین آنها نه تنها به مداخلات تحصیلی بلکه به مداخلات اجتماعی و هیجانی نیز نیاز دارند. پیشنهادات حاصل از ادبیات پژوهش همگی به ضرورت شناسایی صحیح این گروه اشاره دارند که حوزه اصلی مورد غفلت درباره آنهاست و امید است پژوهش‌های آتی تلاشی در جهت رفع این خلاء اساسی صورت دهند.

کودکان استثنایی دوگانه توان بالقوه زیادی برای پیشرفت دارند. آنها غالباً در مورد خود احساس گنجی دارند و بسیاری از آنها برای سازگاری با ناکامی‌هایشان با مشکل مواجهند و همین امر موجب بروز اختلالات متعددی در آنها می‌شود. معلمان، متخصصان و والدین باید هر دو بعد توانایی و ناتوانی کودک را بشناسند و حداکثر توانایی‌های کودک را شناسایی کرده و برای پرورش آنها تلاش نمایند. اگر کودکی با وجود اثبات توانایی‌های سطح بالایش، پیشرفت مورد انتظار را نداشته باشد، تلاش‌ها باید برای شناسایی ناتوانی‌های احتمالی در او انجام شوند. شناسایی این نقاط ضعف موجب می‌شود که این گروه نیز، خود را بهتر بشناسند و برای رویارویی با مشکلات آینده آماده شوند. بنابراین خروج زود هنگام کودک از برنامه‌های تیزهوشان بدون اثبات عدم وجود یک ناتوانی همزمان توصیه نمی‌شود. هدف معلمان و والدین باید تقویت توانایی‌های این گروه از کودکان

## منابع

- Balchin, T., Hymer, B & Matthews, D. J (2009). *The Routledge International Companion to Gifted Education*, Routledge.
- Barber, C & Mueller, C. T (2011). Social and Self-Perceptions of Adolescents Identified as Gifted, Learning Disabled, and Twice-Exceptional, *Perceptions of Twice-Exceptional Students*, 33:109-120.
- Baum, S. M, Olenchak, F. R & Owen, S. V (1998). Gifted Students with Attention Deficits: Fact and/or Fiction? Or, Can We See the Forest for the Trees? *Gifted child quarterly*, Vol 42, No 2.
- Distin, K (2006). *Gifted Children: A Guide for Parents and Professionals*, Jessica Kingsley Publishers.
- Fonseca, C (2011). *Emotional Intensity in Gifted Students Helping Kids Cope With Explosive Feelings*, Prufrock Press. P 55-61.
- Fornia, G. L & Frame, M. W (2001). The Social and Emotional Needs of Gifted Children: Implications for Family Counseling, *The family journal: Counseling and therapy for couples and families*, Vol. 9 No. 4, 384-390.
- Galat, E. M (2012). *Culturally Sensitive Therapy for African American Gifted Children with Learning Disabilities*, University of Harford.
- Goodhew, G (2009). *Meeting the needs of gifted and talented students*, Network continuum.
- Gullett, S. D (2008). *Teaching social skills to twice-exceptional learners*, University of New Mexico.
- Hands, R. E (2009). *The Phenomenon of Underachievement: Listening to the voice of A Twice Exceptional Adolescent*, University of Massachusetts.
- [Http://www.nagc.org/WhatisGiftedness.aspx](http://www.nagc.org/WhatisGiftedness.aspx)



- Kaufmann, F., Kalbfleisch, M. L., & Castellanos, F. X. (2000). Attention deficit disorders and gifted students: What do we really know? The National Research Center on the Gifted and Talented Newsletter, (fall), 13-15. Accessed online at: <http://www.gifted.uconn.edu/nrcgt/newsltr.html#Fall2000>
- King, E. W (2005). Addressing the Social and Emotional Needs of Twice- Exceptional Students, *Teaching Exceptional Children*, Vol. 38, No. 1, pp. 16-20.
- Little, C (2002). Which is it Asperger's syndrome or giftedness? Defining the difference, *Gifted Child Today*, vol. 25 no. 1 58-64.
- McDonald, L (2011). *The cognitive profiles of twice-exceptional children and adolescents*, Azusa pacific university.
- Neihart, M., Reis, S.M, Robinson, N.M & Moon, S.M (2002). The social and emotional development of gifted children: What do we know? *A service publication of the National Association for Gifted Children*.
- Neihart, M (2003). Gifted Children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD). ERIC Digest. *ERIC Clearinghouse on Disabilities and Gifted Education*.
- Nielsen, M.E & Higgins, L.D (2005). The eye of the storm: services and programs for twice exceptional learners, *Teaching Exceptional Children*, Vol. 38, No.1, pp 8-15.
- Pemberton, J. A (2004). *Identifying and Serving Gifted Students with Learning Disabilities: Challenges and the Influence of the School Context*, Miami University.
- Porter, L (2005). *Gifted Young Children: A guide for teachers and parents*, 2nd edition, Allen & Unwin.
- Reis, S. M & Renzulli, J. S (2004). Current Research on the Social and Emotional Development of Gifted and Talented Students: Good News and Future Possibilities, *Psychology in the Schools*, Vol. 41(1), pp 119-130.
- Rizza, M.G & McIntosh, D.E (2001). Introduction to the Special Issue: New Perspectives in Gifted Education, *Psychology in the Schools*, Vol. 38(5), pp 401-402.
- Rizza, Mary, G., Morrison, William, F (2003). Uncovering stereotypes and identifying characteristics of gifted students and students with emotional/ behavioral disabilities, *Roepers Review*, Vol 25, No 2.
- Shavinina, L. V (2009). *International Handbook on Giftedness: Part One*, springer.
- Siegle, D & McCoach, D. B (2005). Making a Difference: Motivating Gifted Students Who Are Not Achieving, *Teaching Exceptional Children*, Vol. 38, No. 1, pp. 22-27.
- Silverman, L. K (2003). *Twice Exceptional Children: Lost Treasures*, available at [www.gifteddevelopment.com/PDF\\_files/2echildren.pdf](http://www.gifteddevelopment.com/PDF_files/2echildren.pdf).
- Silverman, L. K (2005). The Two-Edged Sword of Compensation: How the Gifted Cope with Learning Disabilities, available at [www.gifteddevelopment.com](http://www.gifteddevelopment.com)
- Stormont, M., Stebbins, M. S & Holliday, G (2001). Characteristics and Educational Support Needs Of Underrepresented Gifted Adolescents, *Psychology in the Schools*, Vol. 38(5), 413-423.
- Trail, B. A (2008). *Twice-exceptional learners: What they need in order to thrive*, University of northern Colorado.
- Webb, J. T (2005). *Misdiagnosis and Dual Diagnosis of Gifted Children and adults: ADHD, Bipolar, Ocd, Asperger's, Depression, and Other Disorders*, Great Potential Press.
- Widyorini E. Gifted Children With Asperger Syndrome: Emotional and Social Implications Available at : [http://hkage.org.hk/b5/events/080714%20APCG/04-%20Social%20&%20Emotional%20Development/4.6%20Widyorini\\_Gifted%20Children%20with%20Asperger%20Syndrom-%20Emotion.pdf](http://hkage.org.hk/b5/events/080714%20APCG/04-%20Social%20&%20Emotional%20Development/4.6%20Widyorini_Gifted%20Children%20with%20Asperger%20Syndrom-%20Emotion.pdf)